

اجازه تحریف به ج.ا نباید داد

## جنبش های اجتماعی

### برگ های زرین تاریخ ایران

(4)

انقلاب مشروطیت - پوسیدگی جامعه فئودال ایران که صدها سال از عمر آن می گذشت، رشد نسبی بورژوازی تجاری و خرده بورژوازی در ایران، آشنائی گروهی از روشنفکران با افکار و زندگی مردم اروپای غربی، بیداد و غارتگری امپریالیست های انگلیسی و روسیه تزاری، مقدمات یک جنبش ضد فئودالی و ضد امپریالیستی را در اوائل قرن بیستم در ایران فراهم می کرد. شکست روسیه تزاری در جنگ با ژاپن، انقلاب 1905 روسیه و آشنائی عده ای از زحمتکشان ایران که برای کار به قفقاز می رفتند به افکار سوسیال دموکراسی، فشار دو گانه دربار فاسد قاجار و روحانیان و توسعه تبلیغات ترقیخواهانه از طرف گروه های تجدد طلب بوسیله شب نامه ها و جرائدی که در خارج طبع و در ایران دست بدست می گشت، در سال 1906 آتش انقلاب بورژوا دموکراتیک ایران را برافروخت که دامنه آن تا سال 1922 کشیده شد. انقلاب مشروطیت ایران سرآغاز جنبش های ملی در آسیاست. لنین این انقلاب را می ستاید، حزب سوسیال دموکرات روسیه با تمام قوا بدان یاری می رساند و آن را از دایره تنگ بورژوائی بیرون می کشد و مهر جنبش توده ای را در سرتا سرشمال ایران بدان می زند. انقلاب ایران در برابر امپریالیسم انگلیس و روس، در مقابل استبداد شاهان قاجار و درباریان و رو در روی آن قسمت از روحانیان که بر **انقلاب اجتماعی رنگ الحاد و کفر می زدند**، ایستاد و مکرر پیروز شد و گرچه به هدف های نهائی خود نرسید، اما بهر حال منشاء تحولات بزرگی در تمام شئون زندگی مردم ایران گردید. انقلاب مشروطیت نشان داد که مردم ایران دارای ظرفیت بزرگ انقلابی، روحیه فداکاری و از خود گذشتگی و شایستگی فهم و درک مقتضیات زمان هستند و می توانند از میان خود مجاهدان بزرگی مانند ستارخان قهرمان جنبش مشروطیت ایران پرورش دهند. **انقلاب مشروطیت آغاز ظهور انقلاب زیر درفش احزاب سیاسی با هدف های مشخص و معلوم اجتماعی و طبقاتی بود.** مرحله اول این انقلاب که بنام مشروطیت خوانده می شود از 1906 تا 1911 طول کشید و مراحل دیگر آن به اشکال گوناگون در جریان جنگ جهانی اول و پس از آن تا سال 1922 دوام یافت. انقلاب اکتبر در سال 1917 نیرو و خصلت و جهت تازه ای به جنبش های انقلابی ایران داد. از دوران این جنبش ها نهضت کارگری ایران بیرون آمد و حزب کمونیست ایران پا به عرصه وجود و فعالیت گذاشت. ما با کمال اختصار به قیام ها و جنبش های بعد از انقلاب "مشروطیت" ذیلا اشاره می کنیم:

### قیام جنگل و انقلاب گیلان

در جریان جنگ جهانی اول که قوای متخاصم بی طرفی ایران را نقض و کشور ما را اشغال کردند، جنبش وسیعی ضد نیروهای اشغالگر پدید آمد. لبه تیزاین جنبش متوجه قوای انگلیس و روسیه تزاری - دو دشمن دیرین ایران و انقلاب مشروطیت بود. میرزا کوچک خان، یکی از مبارزان دوران مشروطیت در راس گروهی از آزادیخواهان در گیلان علیه قوای تزاری برپا خاست و سپس موازی با شرایط مساعد و یا نامساعد روز برحسب خصلت بورژوازی خود گاه بصورت انقلابی ای دو آتش و زمانی بحال تسلیم و عقب نشینی در جنگل و اطراف رشت مستقر گردید. هنگامی که انگلیسها مجبور به عقب نشینی از قفقاز شدند و ارتش سرخ صحنه قفقاز را از قوای خارجی و نیروهای ارتجاعی داخلی پاک کرد، میرزا کوچک خان با کمک کمونیست ها و توده های مردم که از پیروزی های انقلاب اکتبر به جنبش آمده بودند،

به رشت وارد شد. در این حکومت، **کمونیست ها، جنگلی ها، احسان اله خان و خالوقربان** که نماینده قشرهای گوناگون اجتماعی بودند، شرکت داشتند. در 22 ژوئن همین سال اولین کنگره حزب کمونیست ایران در بندر انزلی تشکیل و برنامه حزب را مبنی بر اخراج انگلیسها از ایران، واژگون کردن رژیم سلطنتی و فئودالی و مصادره و تقسیم بلاعوض املاک مالکان بزرگ، تصویب و کمیته مرکزی خود را انتخاب کرد. حزب کمونیست ایران وارث سنن انقلابی حزب عدالت و گروه های سوسیال دموکرات و کمونیست ایران بود که با برنامه ای روشن به میدان مبارزه قدم گذاشت. دیری نپائید که هم در رهبری حزب و هم بین حزب و کوچک خان که هدف هایش در چهارچوب تتگ بورژوائی و داعیه شخصی محدود بود، اختلاف بروز کرد. میرزا کوچک خان، حکومت انقلابی را ترک کرد و به جنگل عقب نشست و حکومت جدید به ریاست احسان اله خان تشکیل گردید. این انشعاب و اختلاف ضربت سختی به جنبش انقلابی گیلان زد. در این موقع قوای دولتی با کمک نیروهای نظامی انگلیس حمله بزرگی علیه نیروهای مسلح انقلابی که تا نزدیک قزوین پیش آمده بودند، آغاز کردند و آن ها را تا بندرانزلی (پهلوی) عقب نشانند. دلیری و شهامت مبارزان کمونیست و کمک انقلابیون قفقاز توانست مهاجمان را به عقب راند. شهر رشت بار دیگر بدست انقلابیون افتاد. حیدر عمواغلی بدان سامان شتافت تا بکار سامان دهد. اما اختلاف ریشه دار از یک طرف و تحریکات حکومت قوام و انگلیس ها از طرف دیگر کار را به آنجا رساند که کوچک عده ای از سران نامدار کمونیست را برای مذاکره به جنگل دعوت و آن ها را غافلگیر کرده، به قتل رساند و به این ترتیب زمینه پیروزی قوای دولتی فراهم گردید. حکومت انقلابی گیلان از پای درآمد و دیری نپائید که نیروی میرزا کوچک خان به تحلیل رفت و خود او هنگام فرار نابود گردید (نوامبر 1921 م) شکست انقلاب گیلان نیروهای ملی را پراکنده کرد. تنها حزب کمونیست ایران بود که تحت شرایط نامساعد نوین به فعالیت خود ادامه داد.

### **جنبش انقلابی از مجلس دوم تا انقلاب اکتبر**

به طوری که معلوم است دخالت مستقیم حکومت تزاری با اعزام نیرو به تبریز انقلاب مشروطیت را در آستانه پیروزی قطعی سرکوب نمود. آنچه باقی ماند قانون اساسی و فرم حکومتی مشروطه بود، ولی نیروهای آگاه انقلاب سعی کردند از این تغییرات صوری استفاده کرده به مبارزه خود ادامه دهند. بدین منظور در سال 1909 حزب دموکرات ایران را تشکیل دادند که برنامه ای مترقی داشت (تقسیم املاک بین دهقانان، ایجاد بانک کشاورزی، ایجاد ارتش ملی، تفکیک دولت از مذهب، برقراری تعلیمات اجباری....). این حزب توانست 28 نفر نماینده به دوره دوم مجلس شورا بفرستد و از تریبون مجلس خواست های مردم را اعلام و علیه دخالت های استعمارگرانه امپریالیست های انگلیس و روس مبارزه کند. در دوران فترت بین دوره دوم و سوم مجلس که به منظور سرکوب این حزب و سایر نیروهای انقلابی بوجود آورده بودند، موفق به سرکوب این حزب نشدند. در مجلس سوم دموکرات ها 31 کرسی بدست آوردند و توانستند عده دیگری از وکلا را با خود هم آواز کنند. تحمل چنین مجلسی برای امپریالیست ها که عملا ایران را در اشغال داشتند ممکن نبود. مجلس را تعطیل کردند. جنگ بین المللی و ورود قوای متخاصم به ایران تکان تازه ای به مردم داد و در هر گوشه ای از کشور مخصوصا در شمال و بین ایلات جنوب مقاومت های مسلحانه آغاز گردید. حزب دموکرات ابتدا حکومتی موقت در **قم** و پس از شکست در کرمانشاه تشکیل داد و سپس اعضاء و طرفداران آن مجبور به "مهاجرت" شدند. طلیعه انقلاب اکتبر که در ایران به صورت تشکیل شوراهای سربازان روس در شمال ایران پدید گردید، تکان تازه ای به نیروهای انقلابی داد و حزب دموکرات به خصوص در تبریز نیروی تازه ای گرفت. در آستانه وقایع ژوئیه 1917 در روسیه، همکاری دموکرات ها با شوراهای سربازان روس بدانجا رسید که سربازان روس با آزادیخواهان تبریز و دموکرات ها میتینگ مشترکی بر مزار

شهادی راه آزادی تشکیل دادند و نطق های آتشینی ایراد کردند. از جمله ناطقان یکی **شیخ محمد خیابانی** بود که بنام حزب دموکرات سخن راند. شمال ایران با انقلاب اکتبر یکباره از زیر فشار امپریالیسم آزاد شد و شعله های انقلاب اکتبر سرتاسر این منطقه را به جنبش تازه ای که در سطح عالی تری از جنبش مشروطیت قرار داشت، درآورد. در جنوب انگلیس ها با تمام قوا کوشش کردند که از تاثیر انقلاب اکتبر در مردم بکاهند و نفوذ خود را مستحکم کنند و سپس آتش انقلاب را در شمال خاموش نمایند، اما در سرتاسر ایران مقاومت با سر سختی تمام علیه انگلیس ها جریان یافت. جمعیت های گوناگون که هدف آن ها اخراج انگلیس ها و تسلیم پلیس جنوب به دولت ایران و الغای قراردادهای تحمیلی بود، تشکیل گردید.

### قیام خیابانی

فراخواندن ارتش روس از ایران و اشغال آذربایجان از طرف عثمانی ها که قصد تجزیه و الحاق این منطقه را به ترکیه داشتند، شرایط نامساعد تازه ای برای دموکرات های آذربایجان و آزادیخواهان بوجود آورد. عثمانی ها خیابانی و عده ای از سران جنبش را توقیف و تبعید کردند. پیشرفت ارتش سرخ در قفقاز، عقب نشینی قوای انگلیس از باکو و فشار دولت جوان شوروی به عثمانی ها برای تخلیه خاک ایران منجر به بیرون رفتن نیروی عثمانی از آذربایجان گردید و بار دیگر شرایط مساعد برای جنبش در آذربایجان فراهم آورد. در شب عید نوروز سال 1299 (20 مارس 1920) میتینگ عظیمی با شرکت بیش از 20 هزار نفر در تبریز تشکیل گردید که با شعار "مرده باد انگلیس" خواهان تخلیه ایران از نیروهای انگلیسی بودند. پادگان انگلیسی تبریز شهر را تخلیه و عقب نشینی کرد، ولی شهربانی مانند معمول رهبران جنبش را تحت فشار قرار داد. نتیجه فشار شهربانی قیام تحت رهبری حزب دموکرات آذربایجان که به علت دور ماندن از مرکز حزب و نابسامانی آن در مناطق دیگر ایران، بنام "فرقه دموکرات آذربایجان" نامیده شده بود، بوقوع پیوست. قیام در هفتم آوریل 1920 میلادی آغاز شد و طی دو روز همه ادارات از جمله شهربانی بدست قیامیون افتاد. ابتدا هیئتی بنام "هیئت اجتماعی" کار قیام را اداره می کرد، اما در 20 ژوئن 1920 این هیئت منحل و **حکومت ملی** با برنامه ذیل تشکیل گردید:

برانداختن سلطنت، برقراری جمهوری، نجات کشور از قید اسارت خارجی، خود مختاری در آذربایجان، برقراری روابط سیاسی و بازرگانی با کشور شوروی. حکومت ملی بلافاصله دست به یک سلسله اصلاحات در زمینه امور بهداشتی و فرهنگی و تاسیس ارتش ملی و نظامی آن زد و خیابانی هر روز برای روشن کردن افکار عمومی به نطق هائی آتشین پرداخت که تاثیر بزرگی از لحاظ فکری در مردم داشت.

پیشرفت های حکومت ملی نمی توانست حکومت مرکزی را به تلاش نیاندازد. کابینه وثوق الدوله عاقد قرارداد تحت الحمایگی 1919 با کمک انگلیس ها به انواع حیل متشبث شد تا این حکومت را براندازد، ولی توفیق نیافت و خود در نتیجه نفرت عمومی مردم ساقط گردید. مشیرالدوله که تا حدی خوش نام بود سرکار آمد و مخبرالسلطنه را که از دموکرات های سابق بود به استانداری آذربایجان فرستاد. خیابانی به او اعتماد کرد و آزادانه وارد تبریز شد. مخبرالسلطنه با استفاده از نیروی خلع سلاح نشده قزاق و خیانت فرمانده ژاندارمری خیابانی را غافلگیر کرد و این انقلابی پرشور در 22 شهریورماه 1299 بدست قزاقان شهید شد. جنبش و قیام معروف به خیابانی در آذربایجان یکی از صفحات درخشان تاریخ حرکت انقلابی در ایران و بخصوص در آذربایجان است.